



وضعیت سنجی شایسته سالاری و تحلیل چالش‌های عدالت سیاسی در انتصابات دولتی ایران

غلامرضا بهروزی لک^۱ | مرتضی امیرپور^۲

چکیده

شایسته سالاری به جهت پیوند مستقیمی که با کارآمدی دارد، موجب بقای نظام سیاسی است و نبود آن سیستم را دچار بحران مشروعیت خواهد کرد. به موجب این امر مهم اهمیت وضعیت سنجی مؤلفه شایسته سالاری در تحقق عدالت سیاسی بیش از پیش نمایان می‌شود. با توجه به نبود سنج‌های آماری برای چگونگی وضعیت موجود مؤلفه شایسته سالاری، در پژوهش حاضر این مهم را مورد سنجش قرار داده و نقاط قوت و ضعف آن را ارزیابی می‌کنیم. برای این کار با استفاده از روش سکانسیل چارلز جونز ابتدا به شناسایی مشکل پرداخته و سپس سعی در تحلیل سیاستی آن می‌کنیم. برای پیمایش روش با استفاده از ابزار نظر سنجی پرسشنامه‌ای کولموگروف-اسمیرنوف، ۵ گویه طرح شد و از ۲۷۰ نفر از اساتید و نخبگان علوم سیاسی و اجرایی نظرخواهی به عمل آمد. پس از جمع‌آوری و بررسی تحلیل آماری این نتیجه به دست آمد که الگوهای موجود در شناسایی افراد شایسته ناکافی و ناکارآمد بوده و جمهوری اسلامی برای حفاظت خود در برابر آسیب‌های ناکارآمدی و فساد که به سبب نارسایی نظام گزینش به وجود آمده است، ضرورتاً باید در الگوهای ارزیابی‌کننده شایستگی افراد گزینش شونده تجدید نظر کرده و از ظرفیت تمامی آحاد جامعه برای پیشبرد اهداف خود استفاده نماید.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، انتصابات دولتی، عدالت سیاسی، شایسته سالاری، وضعیت

سنجی

DOI: 10.27834/CSIW.2409.1443.3.34.2

استاد گروه مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران behroozlak@gmail.com

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران amirpour.ir@gmail.com

استناد: بهروزی لک، غلامرضا و امیرپور، مرتضی. (۱۴۰۳). وضعیت سنجی شایسته سالاری و تحلیل چالش‌های عدالت سیاسی در انتصابات دولتی ایران. بحران پژوهی جهان اسلام، ۳ (۳۴)، ۲۲-۴۵.



این مقاله تحت لسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

در کشور ایران به دلیل مداخله‌گری دولت در تمامی عرصه‌ها دولت را مجبور کرده که خود عهده‌دار و متولی امر اشتغال بشود. این کار باعث شده دولت به یک کارفرمای بزرگی تبدیل شده و در روند کار آنچنان که باید موفق نشود. مضافاً این که در کشور ما شغل به درستی معرفی و تبیین نشده است؛ چراکه وقتی کلمه «استخدام» به کار برده می‌شود اولین چیزی که به ذهن متبادر است استخدام دولتی و یک میز و صندلی است. چراکه محدودیت در ظرفیت‌گزینش‌ها و نبود امنیت شغلی در بخش خصوصی و مزایای نامناسب آن، باعث شده که استخدام بخش دولتی جذابیتی بیشتر نسبت به بخش خصوصی داشته باشد و به دلیل تقاضای بیشتر از ظرفیت در این بخش، رقابت تنگاتنگ و گسترده‌ای را به وجود آورده است. در این محدودیت فرصت‌ها، توزیع مناسب مناصب و مسئولیت‌ها دشوارتر شده و لازمه سازوکاری دقیق برای اجرایی کردن عدالت است.

در نظام‌های غربی مسئولیت و مناصب سیاسی برای به دست آوردن قدرت است و قدرت نیز متقابلاً به مسئولیت‌های سیاسی خدمات ارایه می‌دهد. و افراد تمام توان خود را برای حفظ این مناصب به کار می‌گیرند. اما در نظام سیاسی اسلام، مسئولیت‌ها و مناصب سیاسی به عنوان «امانت» قلمداد شده است. امیرالمومنین صلوات الله علیه خطاب به فرماندار خودش در منطقه آذربایجان می‌فرماید: «وَإِنَّ عَمَلَكُمْ لَيْسَ لَكُمْ بِطُعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكُمْ أَمَانَةٌ» (نهج البلاغه، نامه ۵) یعنی حکمرانی و مسئولیت، دکان کاسبی برای تو نیست و به دوش کشیدن آن از سر ارضای شهوت قدرت و طمع نیست، بلکه تکلیفی و امانتی است که باید به خاطر هدفی آن را تقبل کرد. بنابراین در این منظر، مفاهیمی چون باندبازی و ائتلاف‌سازی‌ها برای کسب قدرت و... در آن جایی ندارد؛ چرا که امانت را باید به کسی سپرد که اهلیت آن را داشته باشد. چراکه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا». (نساء، ۵۸)

وقتی در انسان چنین نگاهی برای پذیرش مسئولیت ایجاد شود و آن را تکلیف الهی بداند، دیگر از آن مسئولیت لذت نبرده و بلکه از آن نیز زجر می‌کشد و وقتی مقرر شد که در یک جایگاه و مسئولیتی قرار بگیرد در مرحله اول باید توانایی و صلاحیت پذیرش مسولیت را در خود بسنجد و پس از آن برای تصدی آن اقدام کند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «بعضی‌مان این جور هیستیم؛ به مجرد این که یک مسندی، یک جایی، یا خالی می‌شود یا ممکن است خالی بشود،

حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت خود در بستر اشغال‌های طولانی‌مدت (با تمرکز ویژه بر مسئله فلسطین)

فوراً چشم می‌دوزیم که برویم آنجا! خب شما اول نگاه کن ببین می‌توانی یا نمی‌توانی.» (Khamenei, 1-12-2019) با توجه به مطالب گفته شده، در قبول مسئولیت‌ها یا اعطای مناصب مفهوم «شایستگی» و «فضیلت» و «اهلیت» نمایان می‌شود که در کنار مفهوم «برابری» یکی از دو معیار عدالت سیاسی در توزیع مناصب است. زیرا که امانت دو طرف دارد: امانت دهنده و امانت گیرنده؛ بنابراین آن کسی که امانت در دست اوست باید به مقتضای عدالت آن را به اهلش بسپارد و گیرنده نیز باید آن شرایط را داشته باشد و الا هر دو عدالت را زیر پا گذاشته‌اند.

معیار شایستگی با معیار برابری در تضاد نبوده و مکمل یکدیگر هستند؛ به این بیان که در محدودیت‌های ظرفیت موجود برای توزیع مناصب که امکان با کارگیری همه وجود ندارد، فرایند عادلانه در عدالت سیاسی ایجاد می‌کند که در کنار برابری افراد، آن که بیشترین شایستگی و فضیلت را دارا می‌باشد به کار گرفته شود. در همین مورد، رهبر معظم انقلاب به نقش تکمیل‌کننده فضیلت برای عدالت اشاره کرده و بیان می‌دارند: «البته عدالت همه جا به معنای برابری نیست؛ اشتباه نشود. عدالت یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن، این معنی عدالت است. عدالت آن معنایی نیست که در ذهن بعضی ساده اندیشان و آدم‌های کم عمق وجود دارد. شاید حالا هم خیال کنند که همه جامعه باید برداشت یکسان داشته باشند خیر! یکی کار بیشتری می‌کند، یکی استعداد بیشتری دارد، یکی ارزش بیشتری برای پیشرفت کشور دارد. عدالت یعنی بر طبق حق عمل کردن و حق هر چیز و هر کسی را به او دادن. این معنای عدالت است و برای جامعه لازم است. هدف این است که عدالت حاکم شود، آن وقت اگر جامعه ثروتمند بشود، این ثروت درست تقسیم خواهد شد. مقصود حکومت اسلامی همین است.» (Khamenei, 1993: 1-7).

۱- پیشینه پژوهش

در ارتباط با شایستگی در عدالت سیاسی و سیاست‌گذاری عمومی، به‌طور مستقل و جداگانه، پژوهش‌هایی صورت نگرفته است. از منظر پژوهش حاضر اولاً پژوهش‌های مرتبط صورت گرفته در مورد عدالت سیاسی کلی بوده و ناظر به کاربردی و عملیاتی کردن آن در نظام سیاسی نبوده و مفاد آن‌ها متناسب با مقتضیات حال و آینده جمهوری اسلامی ایران نیست. ثانیاً در حوزه سیاست‌گذاری عمومی هیچ پژوهشی در مورد عدالت سیاسی و ناظر بر مناسبات این دو مفهوم نگارش

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

نشده است. ثالثاً هیچ پژوهش آماری درباره مؤلفه‌های عدالت سیاسی انجام و وضعیت سنجی نشده است؛ در حالی که شناخت وضعیت و موقعیت موجود از اصول سیاستگذاری عمومی است. بنابراین زاویه دید و ماهیت پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌های مرتبط متفاوت است. مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته به این شرح است:

۱) مقاله «اصول عدالت سیاسی» (۱۹۹۸) نوشته سیدصادق حقیقت. در این پژوهش نویسنده ابتدا مروری اجمالی بر تطور مفهوم و مفاد عدالت در دوران کلاسیک، قرون وسطی، رنسانس، عصر روشنگری و قرن بیستم داشته و سپس بحث اصلی خود، یعنی اصول عدالت از دیدگاه جان رالز، را طرح نموده و به نقد اجمالی آن پرداخته است. نگارنده معتقد است که تفسیر عدالت و اصول آن در حوزه فلسفه سیاسی، بدون داشتن دیدگاهی صحیح و واضح نسبت به مفاهیم مشابهی مثل آزادی، برابری، لوگوس، فضیلت مدنی و مصلحت عمومی امکان‌پذیر نیست. مباحث مذکور، ارتباطی سیستماتیک با هم دارند، هرچند ممکن است تبیین یکی از آنها اولویت و تقدم ذاتی بر دیگری داشته باشد.

۲) مقاله «عدالت سیاسی» (۲۰۰۴) نوشته: پروفیسور حمید مولانا، نجف لکزایی، اخوان کاظمی و علیرضا صدرا. در این مقاله که توسط این چهار شخصیت بزرگوار تألیف شده است ابتدا به نسبت عدالت سیاسی مهدوی با عدالت سیاسی در فرهنگ غرب پرداخت شده است. سپس شاخصه‌های عدالت سیاسی بیان شده است و در پی آن، شکل و ساختار حکومت جهانی عدل مهدوی مورد بحث واقع شده است.

۳) مقاله «گفتمان عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی» (۲۰۰۹) نوشته محمدرحیم عیوضی. این مقاله با استفاده از مفهوم گفتمان، به بررسی وجه عدالت خواهانه‌ی انقلاب اسلامی در حوزه سیاست پرداخت شده است.

۴) کتاب «عدالت سیاسی» (۲۰۱۴) سید کاظم سیدباقری به تحلیل و بررسی عدالت سیاسی از منظر اندیشه سیاسی اسلام پرداخته است. نویسنده در گام اول برخی از نگاه‌ها نگرش‌ها و دیدگاه‌های موجود را بررسی کرده و برای این امر در این مجموعه، مقالات را در شش فصل سامان داده است.

۲- چارچوب مفهومی

۲-۱- شایسته‌سالاری

شایسته‌محوری یا شایسته‌سالاری^۱ مفهومی پرکاربرد در علوم سیاسی و حکمرانی است. شایستگی در لغت به معنای توانایی، کفایت نمودن و لیاقت داشتن است (Moin, 2008: 316) و در اصطلاح فرآیندی در ساختار سازمان است که توانمندترین افراد در نسبت به کاری که برای آن در نظر گرفته شده‌اند انتخاب شوند به طوری که کارآمدی و اثر بخشی در بالاترین سطح ممکن صورت پذیرد. بنابر این تعریف ممکن است یک فردی برای تصدی منصب استانداری مناسب باشد، اما همان فرد صلاحیت تصدی وزارت را نداشته باشد. یا یک فردی به لحاظ شخصی فردی بسیار سالم باشد اما به دلیل ضعف در مدیریت شایسته مسئولیت نباشد. به طور مثال می‌توان از ابی ذر غفاری صحابی بزرگ رسول خدا و امیرالمومنین صلوات الله علیهم یاد کرد که شخصیتی بی بدیل و مجاهد و صادق بود به طوری که آسمان بر راستگوتر از او سایه نیفکنده و زمین راستگوتر از او را حمل نکرده است؛ اما از سوی پیامبر صلوات الله علیه و آله از تمامی مدیریت‌ها منع می‌شود و به ایشان توصیه می‌کنند: «یا أَبَا ذَرٍّ أَنْتَ أَحَبُّ لَكَ مَا أَحَبُّ لِنَفْسِي أَنْتَ أَرَاكَ ضَعِيفًا فَلَا تُؤَمِّرَنَّ عَلِيَّ ابْنِ ابْنِ وَ لَا تُؤَكِّينَ مَالَ يَتِيمٍ» (Tousi, 2009: 384) یعنی از سر کمال محبت و خیرخواهی توصیه به ابوذر می‌کنند که چون در مدیریت ضعیف هستی حتی برای دو نفر هم ریاست نکن که توان سامان دادن به امور دو نفر را هم نداری و این که می‌گویند مال یتیم را به عهده نگیر از باب احتمال اختلاس توسط اباذر نیست؛ چرا که مقام او نزدیک عصمت است و این احتمال برای او متصور نیست؛ بلکه منظور حضرت این است که در اثر ضعف مدیریت و تدبیر، توان دادن حق یتیم را نداری و دیگران در اثر این ضعف تو، به مال یتیم دست درازی خواهند کرد (Khamenei, 1-12-2019). حاصل آن که در شایستگی افراد، صرف داشتن ویژگی‌های شخصیتی ممتاز به معنای شایستگی آن فرد برای تصدی نیست. برای معیار شایستگی نمی‌توان به طور کامل و جزئی شاخص مشخصی بیان کرد؛ به طوری که بتوان آن را در همه موارد جاری کرد. چرا که شاخص‌های شایستگی برای هر فرد و مسئولیتی متفاوت بوده و توسط سیره عقلاء و عرف جامعه مشخص می‌شود (خامنه‌ای، همان). بنابراین بیان هر شاخصی برای شایستگی بدون در نظر گرفتن سیره عقلاء و عرف جامعه، خود بی‌عدالتی و شایسته ستیزی محسوب شده و تحقق عدالت سیاسی را منتفی خواهد کرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبیین تغییر رویه‌ها در نظام سیاسی جمهوری اسلام ایران آن را خالی از اشکال دانسته بلکه مطلوب و

¹ Meritocracy

ضروری نیز می‌دانند. ایشان ضمن بیان احتمال تغییر نظام ریاستی به نظام پارلمانی، هرگونه تغییر در شکل هندسی نظام سیاسی امری معمول بیان کرده و شایسته سالاری را به‌عنوان مثال برای آن بیان کرده و می‌فرمایند: «البته همین تغییر هم باید متکی به اصول باشد. همین نگاه دوباره و نوسازی و بازسازی هم بایستی ناظر به اصول باشد؛ برگرفته و برخاسته‌ی از اصول اسلامی باشد. برای مثال فرض بفرمائید شایسته‌سالاری. احساس بشود که شایسته‌سالاری، به این شکل، بهتر تحقق پیدا می‌کند؛ یا عدالت، به این شکل، بهتر تحقق پیدا می‌کند.» (Khamenei, 1-12-2019).

یکی از نکاتی که در تحقق عدالت سیاسی بسیار حائز اهمیت است مبارزه با توهومات و تصورات کاذب از شاخص‌های شایستگی است. از آنجایی که اصحاب قدرت برای حفظ جایگاه خود در چرخه قدرت نیازمند موجه سازی خود هستند، دست به شاخص سازی‌هایی می‌زنند تا به این وسیله کاستی‌های صلاحیتی و شخصیتی خود را جبران کنند. در سیره عدالتی اهل البیت علیهم السلام و رهبران معظم انقلاب اسلامی این مبارزه را به وضوح می‌توان مشاهده کرد. به‌طور مثال، مورخان آورده‌اند که رسول خدا صلوات الله علیه و آله پس از فتح مکه عتاب قرشی را که فقط ۱۹ سال داشت فرماندار مکه کرد؛ عده‌ای به سن او معترض شدند که چرا او برای افراد مسن و باسابقه حاکم قرار داده شده؟ رسول خدا صلوات الله علیه و آله در جواب آن‌ها فرمود: «لا یحتج محتج منکم فی مخالفتہ بصغر سنہ فلیس الاکبر هو الافضل بل الافضل هو الاکبر» (Majlisi, 1982: 123).

بنابراین تمامی انتصابات در نظامات سیاسی و تقسیم قدرت باید براساس اصل شایستگی و فضیلت باشد که سیره عقلاء بر آن حکم می‌کنند؛ نه بر طبق امیال و باندبازی و ثروت. این رویه در اجرای عدالت سیاسی باعث جلوگیری از حلقه‌های بسته مدیریتی شده و نظام سیاسی را کارآمدتر خواهد نمود.

اصول کلی شاخص‌های شایستگی در منابع دینی و روایی به مناسبت‌های مختلف ذکر شده است؛ یکی از منسجم‌ترین و کامل‌ترین آن اصول را می‌توان از کلام حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه مستفاد کرد؛ حضرت در نامه‌ای به مالک اشتر فرماندار مصر - که به نامه ۵۳ نهج البلاغه معروف است برای استخدام افراد مورد نیاز جهت سازماندهی امور مردم، شاخص‌های شایستگی هر گروه از مسئولین اعم از: رهبری، نظامیان، قضات، کارگزاران دولتی، معاونان را بیان فرموده و نکته قابل توجه این است که حضرت با توجه به شرایط و نوع هر مسئولیت، ویژگی‌های متناسب با آن را بیان می‌کنند. که ذکر آن‌ها نوشته‌ای جداگانه می‌طلبد و خوانندگان محترم می‌توانند به متن نهج البلاغه مراجعه کنند. اما اصول کلی که حضرت ذکر فرمودند از این قرار است: سابقه خوب، توان علمی و عملی، حسن خلق، سعه صدر برای تحمل سختی کار، قانون مندی، صداقت، قدرت

حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت خود در بستر اشغال‌های طولانی‌مدت (با تمرکز ویژه بر مسئله فلسطین)

تحمل مخالف، آینده‌نگر بودن. حضرت امیر به مالک اشتر که مسئول توزیع مناصب در مصر است تذکر می‌دهد که «وَلَا تُؤَلِّمُوا مُحَابَاةً وَأَثَرَةَ» یعنی استخدام افراد به مناصب حکومتی باید در یک عرصه برابر بوده و بر اساس شایستگی و آزمایش آن‌ها صورت گیرد. نه به واسطه دوستی آن‌ها را انتخاب کن؛ و نه از روی دیکتاتوری و خودکامگی.

۲-۲- عدالت سیاسی

در عبارت عدالت سیاسی، «سیاسی» وصف و قید برای عدالت است و عدالت نیز موصوف آن است. این وصف می‌تواند به دو صورت در نظر گرفته شود: اول این که آن را وصف توضیحی قرار دهیم؛ در این صورت عدالت سیاسی یعنی: عدالتی که سیاست آن را تبیین می‌کند. بدین ترتیب عدالت یک امر سیاسی تلقی شده و عدالت سیاسی یکی از اقسام عدالت مانند حقوقی و اقتصادی و اجتماعی نخواهد بود. در این صورت عدالت و سیاست دارای هدف واحدی هستند. از قائلین به این نگرش جان رالز است که عدالت را به مثابه یک امر سیاسی می‌داند (Rawls, 2010: 216). بنابراین فرض، تقسیم عدالت به دیگر عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و... در چارچوب سیاست بحث خواهد شد. دوم این که سیاست را قید تخصیصی برای عدالت بدانیم؛ در این صورت معنای عدالت سیاسی یعنی: عدالتی که مختص دنیای سیاست و قدرت است و تقسیم دیگر انواع عدالت مانند عدالت اجتماعی و اقتصادی و... خواهد بود (Paketchi, 2022: 375).

در مفهوم هر یک از دو کلمه این ترکیب، یعنی «عدالت و سیاست» اجماع نظری وجود ندارد؛ و زمانی که این دو باهم مرتبط می‌شوند معرکه بالا می‌گیرد. در بحث سیاست پای قدرت در بین است و در عدالت، حقوق و توازن. از این حیث، تعریف عدالت سیاسی دوچندان دشوار شده است. برای عدالت سیاسی تعاریف مختلفی ارائه شده است برخی آن را ارزشی می‌دانند که با عمومیت یافتن آن در حوزه قدرت، افراد جامعه به حقوق خود می‌رسند و تعادل در امور جامعه ایجاد می‌شود (Seyed Bagheri, 2014: 126).

محقق نائینی نیز عدالت سیاسی را به معنای مساوی بودن تمامی شهروندان در برابر حاکمیت دانسته و معتقد است تمامی مردم در همه امور با شخص حاکم مساوی هستند و باید قانون برای همه آن‌ها به‌طور یکسان اجرا شود. ایشان این مساوات را از پایه‌های سیاست اسلامی قلمداد می‌کند

(Naini, 2015: 69). عده‌ای نیز آن را به معنای پرهیز دولت از رفتار سیاسی تبعیض آمیز و تفاوت گذارانه با شهروندان تعبیر کرده‌اند (Ahmad, 2000: 13).

برخی دیگر بر این باورند که عدالت سیاسی آن است که امور کشور به نحو شایسته اداره شود تا مردم در یک فضای عادلانه به زندگی خود ادامه دهند. برخورداری از برابری، آزادی، امنیت و آسایش به عنوان حقوق طبیعی افراد جامعه، تأمین کننده‌ی این فضای عادلانه خواهد بود (Ashuri, & Bashirieh, 2015: 207).

در جمع‌بندی تعریف عدالت سیاسی و ارائه نظر مختار، می‌توان گفت که تعریف ارائه شده از عدالت سیاسی باید نمایانگر مفهوم عدالت و رابطه آن با سیاست باشد. بنابراین در مجموع می‌توان گفت منظور از عدالت سیاسی این است که: تقسیم قدرت و ساختار آن به گونه‌ای باشد که زندگی سیاسی شهروندان توازن یافته و سامان بگیرد.

مسئله توزیع قدرت، اساسی‌ترین مفهوم مستفاد از عدالت سیاسی است که امروزه به عنوان شاخصی برای ارزیابی نظام‌های سیاسی مطرح است. در فلسفه سیاسی اسلام همه شهروندان حق رسیدن به آن را دارند و کسی نمی‌تواند آن‌ها را منع کند. چرا که خداوند متعال همگان را برابر آفریده و از حقوق برابر برخوردار کرده است. سیر تاریخ به ما نشان می‌دهد که عدم توجه به چگونگی توزیع مناسب قدرت، بسترساز شکل‌گیری حکومت‌های اقتدارگرا و یا گریز از مرکز می‌باشد. قدرت مفهوم مشکک دارد و هر مقدار به رأس هرم آن پیش برویم، قدرت متراکم شده و دسترسی به آن دشوارتر خواهد شد. به این بیان که افراد اندکی توانایی به دست آوردن آن جایگاه را خواهند داشت و بسیاری از افراد محروم می‌شوند. دسترسی افراد به رأس هرم قدرت سیاسی و تصدی مناصب بالا، موقعیت‌های ویژه‌ای برای آن‌ها به وجود می‌آورد که در صورت نبود مکانیسم مهار آن، شرایط ناگواری را برای جامعه به وجود می‌آورد. عدالت سیاسی با سازوکار خود در پی آن است که قدرت را از انحصار در آورده و بستر رسیدن به قدرت توسط همه افراد جامعه را فراهم آورد. اما به دلیل این که مناصب سیاسی قابلیت تصدی توسط همگان به صورت همزمان را ندارند، عدالت سیاسی به طور برابر موانع را از مسیر رسیدن افراد به قدرت را برمی‌دارد تا هرکس شایستگی و توانایی داشته باشد به آن برسد هر چند که از اصحاب قدرت نباشد.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر برای پیشبرد اهداف خود از روش سکانسیل که توسط چارلز جونز استاد آمریکایی علوم سیاسی ارائه شده استفاده خواهد کرد و هدف این است که چارچوبی ارائه گردد تا بتوان عملکرد دولت را به صورت عینی و علمی مورد مطالعه قرار داد. برای این کار اول باید دانست که عملکرد دولت «چگونه است» و سپس دانست که عملکرد دولت «چگونه باید باشد». در روش جونز فرایند سیاستگذاری عمومی دارای این مراحل است:

مرحله اول: شناسایی، ایجاد دستور کار و تبیین مشکل

در این مرحله، موضوعات طی فرآیندی وارد دستور کار سیستم می‌شوند و از این حیث این مرحله حائز اهمیت ویژه و حیاتی است. زیرا تا زمانی که یک مسئله شناسایی و وارد دستور کار ساختار نشود، حل نشده باقی خواهد ماند. به این دلیل است که حکمرانان مانع از ورود مسائل به چرخه دستور کار می‌شوند تا از چالش‌های آن در امان بمانند.

بعد از ورود یک مسئله عمومی به چرخه دستور کار، تبیین آن الزامی و حیاتی است؛ مسئله عمومی عبارت است از یک مطالبه انسانی که می‌تواند از جانب محدودیت باشد یا نارضایتی؛ که توسط سیاستگذاران (فرد یا گروه) شناسایی شده است. اهمیت این مرحله بسیار بیشتر از مراحل بعدی است؛ چراکه چگونگی تبیین مسئله، نوع سیاست و راه‌حل آن را تعیین خواهد کرد. به‌طور مثال اگر مسئله کشف حجاب در یک جامعه ناهنجاری اخلاقی تلقی شود، سیاستگذاران با جرم‌نگاری آن و تعیین سیاست‌ها و برنامه‌ها، مانع از حضور زنان بی‌حجاب در جامعه خواهند شد. اما اگر در این مسئله به‌عنوان حقوق فردی و قانونی افراد تعریف شود، سیاستگذاران با تعیین سیاست‌ها حافظ این حقوق فردی خواهند بود. مسئله عمومی طول فرآیندی وارد دستور کار می‌شود:

الف) ادراک مسئله؛

ب) تعریف مسئله؛

ج) تجمع منافع؛ به معنی سازماندهی منابع و گذر از فرد به گروه؛

د) ایجاد وفاق در میان مسئولان حکومتی در پذیرش عمومیت مسئله و همراه ساختن آن‌ها.

مرحله دوم: ارائه سیاست و راه‌حل

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

پس از شناسایی مشکل، سیاستگذاران دولتی جوانب آن را سنجیده و بررسی کرده و تلاش می‌کنند با مذاکره با بازیگران اجتماعی راه‌حلی را ارائه دهند. در این مرحله پس از ارائه چند راه‌حل، یک راه حل انتخاب و دلایل آن توجیه می‌شود که اصطلاحاً به آن مشروعیت بخشی می‌گویند. متعلق راه‌حل‌ها مربوط به کل حاکمیت، نهادهای قانونگذار، قوه مجریه و یا بخش خصوصی است. سیاستگذاران باید جنبه قابلیت عملیاتی شدن راه‌حل‌ها و واقعیت‌های جامعه را در نظر داشته باشند.

مرحله سوم: اتخاذ تصمیم

عبارت است از ترسیم سیاست خاصی که از آن طریق سیاستگذار در صدد حل مشکل می‌باشد. در این مرحله تقابل مثبت و منفی بین نهادهای سیاستگذار و گروه‌های فشار اتفاق می‌افتد و نحوه برخورد با مشکل مشخص می‌شود.

مرحله چهارم: اجرای سیاست

اجرای سیاست فرآیندی چند بعدی و چندجانبه است که نهادهای اجرایی حاکمیت، سیاست‌های اتخاذ شده را در قالب برنامه‌ها عملیاتی می‌کنند. در این مرحله به علت گستردگی نهادهای اجرایی، بروکرات‌ها اختیارات فراوانی پیدا می‌کنند به گونه‌ای که بسیاری از اندیشمندان سیاستگذاری معتقدند تعداد زیادی از سیاست‌ها در این مرحله صورت می‌بندند.

مرحله پنجم: ارزیابی سیاست

ارزیابی سیاست شامل اقداماتی است که برای بررسی میزان اثربخشی اجرای سیاست در اهداف مورد نظر است؛ و محاسبه این که آیا اهداف به دست آمده متناسب با میزان هزینه هست یا نه؟ بعضی از مواقع سیاست‌ها به اهداف می‌رسند اما هزینه آن‌ها بسیار زیادتر از فایده آن است که در این حالت سیاست اتخاذ شده را باید پایان داد.

با توجه به این که بررسی سه مرحله تصمیم‌گیری، اجراء، و ارزیابی در پژوهش امکان ندارد، بنابراین به دو مرحله نخست می‌پردازیم. چرا که این سه مرحله برعهده مسولان و صاحبان قدرت است، فلذا اساساً امکان پرداختن به آن وجود ندارد.

برای پیمایش مرحله اول ابزار مورد استفاده نظرسنجی پرسشنامه‌ای طیف لیکرت است. این پرسشنامه توسط خود نگارنده و زیر نظر اساتید مجرب تحلیل آماری، طراحی و داده‌های آن آنالیز

حق‌ملتها بر تعیین سرنوشت خود در بستر اشغال‌های طولانی‌مدت (با تمرکز ویژه بر مسئله فلسطین)

شده و برای کل فرآیند پروژه ۸ ماه زمان صرف شده است. جامعه آماری این پرسشنامه اساتید حوزه و دانشگاه هستند که در حوزه‌های علوم سیاسی و علوم اجتماعی سررشته دارند. حجم نمونه آن نیز ۲۷۰ نفر با درصد خطای ۰/۶ می‌باشد.

برای سنجش مؤلفه شایسته سالاری با توجه به چارچوب مفهومی مقاله، ۵ گویه و سنجه مطرح شده است که عبارت است از: ۱) معیارهای گزینشی موفق بوده و مانع از بروز فساد و ناکارآمدی شده‌اند؛ ۲) در جامعه ما واگذاری شغل‌ها به افراد متناسب با شایستگی (قابلیت) آن‌هاست؛ ۳) دخالت دادن عدالت فردی افراد در گزینش آن‌ها، مانع از بروز فساد در آن‌ها شده است؛ ۴) تصدی مناصب با استفاده از سهمیه، ارتباطی به شایستگی و عدم شایستگی افراد ندارد؛ ۵) در انتخاب بین تخصص و تعهد، تخصص اولویت دارد؛ در ادامه تحلیل روش این وضعیت سنجی به تفصیل ارایه می‌گردد:

۱- نرمال بودن توزیع مؤلفه شایستگی

به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها برای متغیرها و مؤلفه‌های شایستگی از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. فرضیه آماری برای آزمون نرمال بودن (کولموگروف اسمیرنوف) مؤلفه‌های شایستگی به صورت زیر است.

H_0 : داده‌ها نرمال هستند (داده‌ها از جامعه نرمال آمده‌اند)

H_1 : داده‌ها نرمال نیستند (داده‌ها از جامعه نرمال نیامده‌اند)

در صورتی که سطح معنی‌داری آزمون بیشتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر پذیرفته می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت توزیع داده‌ها تفاوت معنی‌داری با توزیع نرمال ندارد. همان‌طور که در جدول آمده است، سطح معنی‌داری کلیه متغیرها بزرگتر از ۰/۰۵ است. بنابراین داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند.

جدول ۱- آزمون نرمال بودن توزیع مؤلفه‌های شایستگی

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف		
متغیر	آماره Z	سطح معنی‌داری
شایستگی	۰,۸۹۷	۰,۳۹۷

۲- الگوسازی معادلات ساختاری

مدل‌یابی معادلات ساختاری ترکیبی از تحلیل عاملی تأییدی و رگرسیون چند متغیره می‌باشد. در این روش آزمون کلی مدل، شامل آزمون مدل اندازه‌گیری (بررسی پایایی و روایی) و آزمون مدل ساختاری (ضریب مسیر و وریانس تبیین شده) می‌باشد. لذا در این قسمت به آزمون اعتبار سازه‌ای (وسیله اندازه‌گیری) و آزمون نیکویی برازش ساختار مورد نظر با استفاده از نرم‌افزار ایموس^۱ با در اختیار داشتن داده‌های مربوط به متغیرهای برگرفته شده از فرضیه‌ها پرداخته می‌شود. پس از اجرای برنامه و انجام تغییرات لازم، مدل برازش شده فرضیه‌ها و روابط عنوان شده در تحقیق به شرح زیر نمایان گردید. مدل ساختاری شایستگی به آزمون اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری شایستگی و آزمون نیکویی برازش ساختار آن پرداخته است. در بخش اندازه‌گیری همچنان که از مدل بر می‌آید بیشتر معرف‌های متغیرهای مکنون به‌طور نسبتاً مناسب روی آن‌ها بار شده‌اند. گفتنی است بارهای عاملی و وریانس تبیین شده سازه و مؤلفه‌های آن روی شکل مشخص شده است.

۴- یافته‌های آماری نظرسنجی

برای سنجش سازه شایستگی در عدالت سیاسی در بین پاسخگویان، از ابزار پرسشنامه با پنج گویه استفاده شد؛ این پنج گویه عبارت‌اند از: «معیارهای کنونی گزینش موفق بوده، و مانع از بروز فساد و ناکارآمدی شده‌اند»، «در جامعه ما واگذاری شغل‌ها به افراد متناسب با شایستگی آن‌هاست»، «دخالت دادن عدالت فردی افراد در گزینش آن‌ها، مانع از بروز فساد در آن‌ها شده است»، «تصدی مناصب با استفاده از سهمیه، ارتباطی به شایستگی و عدم شایستگی افراد ندارد» و «در انتخاب بین تخصص و تعهد، تخصص اولویت دارد» تشکیل شده است؛ میانگین این گویه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: ۲/۰۱، ۲/۴۰، ۲/۲۸، ۳/۹۴ و ۳/۶۷؛ میانگین کل این سازه ۲/۸۶ از ۵ نمره است. سایر شاخص‌های آماری تمرکز، پراکندگی، توزیعی و فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین این مؤلفه‌ها در جدول گزارش شده است.

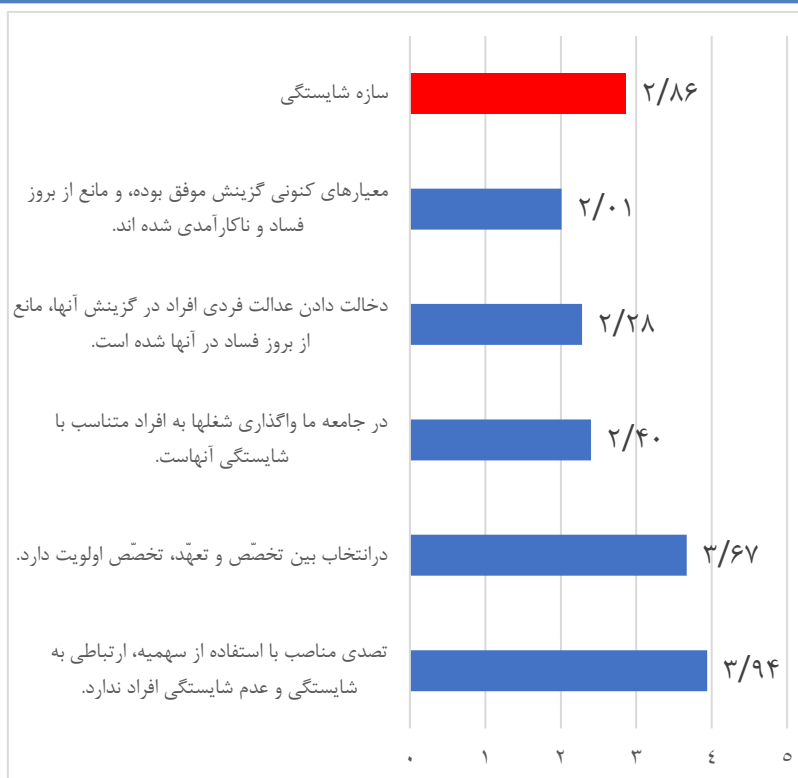
جدول-۲. شاخص‌های آماری مؤلفه‌های سازه شایستگی در وضعیت سنجی

¹ Amos

حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت خود در بستر اشغال‌های طولانی‌مدت (با تمرکز ویژه بر مسئله فلسطین)

عدالت سیاسی	شاخص	شاخص‌های تمرکز				شاخص‌های پرکنندگی		شاخص‌های توزیعی		فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
		میانگین	میان	حداقل	حداکثر	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیگی		
مؤلفه شایستگی	معیارهای کنونی گزینش موفق بوده و مانع از بروز فساد و ناکارآمدی شده‌اند.	۲/۰۱	۲	۱	۵	۰/۵۱۳	۰/۲۶۳	۳/۰۵۰	۱۷/۵۱۷	۱/۹۵	۲/۰۷
	در جامعه ما واگذاری شغلها به افراد متناسب با شایستگی آن‌هاست.	۲/۴۰	۲	۱	۵	۰/۹۸۷	۰/۹۷۵	۱/۰۸۴	۰/۱۰۹	۲/۲۹	۲/۵۲
	دخالت دادن عدالت فردی افراد در گزینش آن‌ها، مانع از بروز فساد در آن‌ها شده است.	۲/۲۸	۲	۱	۵	۱/۰۴۸	۱/۰۹۹	۰/۸۵۶	-۰/۲۶۶	۲/۱۶	۲/۴۰
	تصدی مناصب با استفاده از سهمیه، ارتباطی به شایستگی و عدم شایستگی افراد ندارد.	۳/۹۴	۴	۱	۵	۱/۱۳۴	۱/۲۸۵	-۰/۶۷۷	-۰/۵۰۰	۳/۸۱	۴/۰۸
	در انتخاب بین تخصّص و تعهد، تخصّص اولویت دارد.	۳/۶۷	۴	۱	۵	۱/۰۳۸	۱/۰۷۷	-۰/۸۵۶	-۰/۲۴۷	۳/۵۵	۳/۷۹
سازه شایستگی		۲/۸۶	۲/۸	۱/۸	۴/۲	۰/۲۷۶	۰/۰۷۶	۰/۵۵۰	۳/۸۲۹	۲/۸۳	۲/۸۹

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

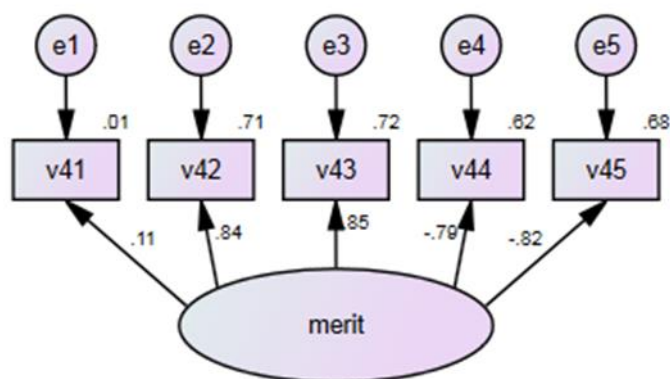


نمودار-۱. میانگین مؤلفه‌های سازه شایستگی در وضعیت‌سنجی

۱-۴- تحلیل عاملی تأییدی سازه شایستگی

تحلیل عاملی تأییدی سازه شایستگی از پنج مؤلفه: «معیارهای کنونی گزینش موفق بوده و مانع از بروز فساد و ناکارآمدی شده‌اند»، «در جامعه ما واگذاری شغلها به افراد متناسب با شایستگی آنهاست»، «دخالت دادن عدالت فردی افراد در گزینش آنها، مانع از بروز فساد در آنها شده است»، «تصدی مناصب با استفاده از سهمیه، ارتباطی به شایستگی و عدم شایستگی افراد ندارد» و «درانتخاب بین تخصص و تعهد، تخصص اولویت دارد» تشکیل شده است؛ نشان می‌دهد که مؤلفه «دخالت دادن عدالت فردی افراد در گزینش آنها، مانع از بروز فساد در آنها شده است» بیشترین بار عاملی ۰/۸۵ را بر روی سازه خود یعنی شایستگی را دارد و نشان می‌دهد که ۷۲/۰۸ درصد تغییرات این سازه توسط این مؤلفه سنجیده می‌شود.

حق‌ملت‌ها بر تعیین سرنوشت خود در بستر اشغال‌های طولانی‌مدت (با تمرکز ویژه بر مسئله فلسطین)



نمودار-۲. مدل تحلیل تأییدی سازه شایستگی

از آنجا که درجه آزادی مدل مثبت می‌باشد، بنابراین مدل، مدلی بالادستی است. برای بررسی معنی‌داری بارهای عاملی و شاخص‌های برازش مدل براساس سطح معنی‌داری و ناحیه بحرانی که براساس آماره آزمون t حاصل شده است داریم:

جدول-۳. آزمون همانندی مدل و سطح معنی‌داری

مقدار آماره آزمون (χ^2)	درجه آزادی (d.f.)	سطح معنی‌داری (sig)
۹/۷۱۷	۵	۰/۰۸۴

جدول-۴. برآورد بارهای عاملی و سطح معنی‌داری

مؤلفه‌های سازه	برآورد بارهای عاملی	برآورد بارهای عاملی استاندارد	تأثیرات مستقیم استاندارد	ضریب تعیین (درصد)	ناحیه بحرانی (C.R.)	سطح معنی‌داری (sig)
گزینش موفق	۱		-۰/۸۲۴	۶۷/۸۹		
تناسب با شایستگی	۱۵/۰۸۷	۸/۸۴۱	-۰/۷۸۹	۶۲/۲۵	۱/۷۰۷	۰/۰۸۸
عدالت فردی	۱۶/۲۰۴	۹/۴۹۴	۰/۸۴۹	۷۲/۰۸	۱/۷۰۷	۰/۰۸۸
تصدی سهمیه‌ای مناصب	-۱۶/۲۶۸	۹/۵۴۲	۰/۸۴۰	۷۰/۵۶	-۱/۷۰۵	۰/۰۸۸

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

۰/۰۸۸	-۱/۷۰۶	۱/۱۴	۰/۱۰۷	۹/۱۲۲	-۱۵/۵۶۳	اولویت تخصص و تعهد
-------	--------	------	-------	-------	---------	--------------------

۲-۴- ارزیابی تناسب مدل

در مدل‌یابی معادلات ساختاری از چند شاخص تناسب جهت برازندگی مدل ارائه شده، استفاده می‌شود. شاخص‌های تناسب مدل سازه ارائه شده در مورد شایستگی در عدالت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران همچنان که در نمودار و جدول نشان داده شده است.

جدول-۵. بررسی شاخص‌های تناسب مدل

ردیف	شاخص بrazش	معیار مقبولیت شاخص	معیار مطلوبیت شاخص	نتیجه به دست آمده در مدل رقابت پذیری
۱	χ^2	$2df < \chi^2 \leq 3df$	$0 \leq \chi^2 \leq 2df$	۰/۰۸۴
۲	χ^2/df	$2df < \chi^2/df \leq 3df$	$0 \leq \chi^2/df \leq 2df$	۰/۱۰۸
۳	RMSEA	$0.05 < RMSEA \leq 0.08$	$50 \leq RMSEA \leq 0.0$	۰/۰۵۸
۴	SRMR	$0.05 < SRMR \leq 100.$	$50 \leq SRMR \leq 0.0$	۰/۰۱۷
۵	NFI	$0.90 < NFI < 0.95$	$1.000.95 \leq NFI \leq$	۰/۹۵۸
۶	CFI	$70.95 < CFI < 0.9$	$1.000.97 \leq CFI \leq$	۰/۹۹۳
۷	GFI	$0.90 < GFI < 0.95$	$1.000.95 \leq GFI \leq$	۰/۹۸۷
۸	AGFI	$0.85 < AGFI < 00.9$ Close to GFI	$1.000.90 \leq AGFI \leq$ Close to GFI	۰/۹۶۰
۹	AIC	smaller than AIC for comparison model		۲۹/۷۱۷
۱۰	CAIC	smaller than CAIC for comparison model		۷۶/۱۳۶
۱۱	ECVI	smaller than ECVI for comparison model		۰/۱۰۶

۳-۴- تحلیل نتایج نظرسنجی

در گویه اول نظرسنجی که عبارت است از: «معیارهای کنونی گزینش موفق بوده، و مانع از بروز فساد و ناکارآمدی شده‌اند»، حدود ۰/۶۰ از پاسخ دهندگان با این موضوع مخالفت کرده‌اند و بر این

حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت خود در بستر اشغال‌های طولانی‌مدت (با تمرکز ویژه بر مسئله فلسطین)

باور هستند که معیارهای کنونی نه تنها از بروز فساد و ناکارآمدی نکاسته، بلکه به آن نیز افزوده است. آنچه که در این میان بحث برانگیز بوده و موجب انحراف شده است معیار و مفهوم شایستگی است؛ به این بیان که شایستگی چیست و چه کسی شایسته است؟ نحوه احراز شایستگی چیست و چگونه انجام می‌شود؟ بحث را با مثالی از تیم ملی فوتبال طرح می‌کنیم: همه اعضای تیم با استانداردهای حرفه‌ای انتخاب می‌شوند و عواملی مانند دین و تقوا و نسب خانوادگی در این انتخاب دخالت ندارد. شرایط عضویت در تیم هم مرحله‌ای است؛ یعنی بازیکن اول باید در تیم‌های پایه فعالیت کند و پس از کسب مهارت و شایستگی توسط کارشناسان انتخاب و به تیم‌های بالاتر و مهم‌تر هدایت می‌شوند. چون بازیکن در برابر هزاران بیننده بازی می‌کند انتخاب کننده‌گان نمی‌توانند افراد غیر حرفه‌ای به بازی بگیرند. به این سبب در تیم ملی از همه گرایش‌ها و مذاهب وجود دارد و گزینشی که در دیگر مشاغل وجود دارد در اینجا جریان ندارد. نه تنو کردن مهم است نه نماز و روزه. چنانچه این شرایط و ضوابط حاکم بر دیگر تیم‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و... شود، ملی محسوب شده و فرقه نخواهد بود و مهم‌تر آن که کارآمدتر و حرفه‌ای‌تر می‌گردند.

امروزه گروهی به نام «هسته گزینش» برای توزیع مناصب و قدرت در جمهوری اسلامی ایران به دو صورت شرایط متقاضیان را بررسی می‌کند: تحقیقات محلی، مصاحبه عقیدتی سیاسی؛ چنانچه در مطالب قبلی توضیح داده شد، انتخاب و استخدام شدن از حقوق اولیه شهروندان است و بنابر تصریح اصل ۲۳ قانون اساسی «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذة قرار داد» و ممانعت از ورود شهروندان به مشاغل حکومتی به صرف داشتن عقیده متفاوت از گروهی خاص مصداق کامل تعرض به افراد است. قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ۵۷۰ و ۵۷۱ این عمل را جرم انگاری کرده و «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

این گروه با تصویب آیین‌نامه و بخشنامه‌ها افراد را برای ورود به خدمت مورد بازجویی قرار داده و افرادی را انتخاب می‌کنند که دارای عقاید خاص باشند. این وضعیت حلقه مدیریتی کشور را بسته و «میریدان وابسته» را جایگزین «مدیران شایسته» می‌کند. به دلیل این که در ایران حکومت

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

دینی می‌باشد، فرد آگه چه اعتقادی به دین نداشته باشد خود را متصف به دین داری و مناسک دینی می‌کند. و به این ترتیب دستگاه‌های بورکراتیک به کارخانه تولید نفاق تبدیل شده و فرد عبور کرده از این فیلترها به عنوان «مومن انقلابی» یاد می‌شود.

انگیزه حاکمیت از قرارداد فیلترهای عقیدتی و سیاسی در گزینش افراد بر این باور استوار است که این روش با جذب افراد پاکدست و متدین و انقلابی، مانع فساد خواهد شد. انتظار بر این بود که با این سیاست، فساد وارد ساختار نشود اما حذف حداکثری و تقسیم شهروندان به خود و غیر خودی موجب شکاف و نارضایتی اجتماعی شده و با تجمیع قدرت در یک طبقه و نبود نهادهای نظارتی بر آن، با فساد روبه رشد مواجه هستیم. به طوری که مردم با شنیدن اخبار اختلاس‌ها دیگر متعجب نمی‌شوند و همه روزه اخبار محاکمه قاطبه‌ای از مسئولان پینه‌پیشانی در حال انتشار است. طبق بسیاری از نظرسنجی‌های معتبر ادراک مردم از پدیده فساد در کشور بالا است و طی آمار سازمان شفافیت بین‌الملل که در سال ۲۰۲۲ منتشر شده است^۱، ایران در ادراک فساد توسط مردم دارای رتبه ۱۴۹ از بین ۱۸۰ کشور می‌باشد.

گویه دوم نظرسنجی که عبارت است از: «دخالت دادن عدالت فردی افراد در گزینش آن‌ها، مانع از بروز فساد در آن‌ها شده است» ۰/۵۷ از پاسخ دهندگان مخالفت خود را با این مطلب اعلام کرده و معتقدند احراز عدالت فردی افراد مانع از ابتلای آنان به فساد نشده است. در این جا سؤال اساسی این است که چرا حاکمیت به دنبال عدالت فردی افراد به جهت ممانعت از فساد است؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توان ابعاد مختلفی را طرح کرد؛ به نظر مهم‌ترین بعد، نوع نگرش به حکمرانی در جهان امروز و گذشته است. در تاریخ گذشته برای ارزیابی حکومت، شخص حاکم را بررسی می‌کردند و سؤال اصلی در سیاست این بود که چه کسی صلاحیت دارد که حکومت کند؟ اگر حاکم دارای اوصاف عدالت و تقوا و شجاعت بود او لایق حکومت می‌شد. این نگرش با جهان کهن نیز سازگار بود؛ چرا که قانون مدون و مکتوب وجود نداشت و فرمان شاه قانون تلقی می‌شد. تفکیک قوایی وجود نداشت و همه قوا شخص حاکم بود و تمام کارکرد دولت در امر امنیت و نظم جامعه خلاصه می‌شد و دخالتی در اقتصاد و زندگی شخصی مردم نداشت. بنابراین توازن قدرتی هم

¹ [transparency.org/research/cpi/overview](https://www.transparency.org/research/cpi/overview)

حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت خود در بستر اشغال‌های طولانی‌مدت (با تمرکز ویژه بر مسئله فلسطین)

بین مردم و حاکم برقرار نبود. بر اساس این مطالب بررسی صلاحیت شخص حکومت‌کننده اهمیت ویژه‌ای داشت.

اما پیچیدگی جهان جدید در عرصه حکمرانی داخلی و روابط بین‌المللی، بالا رفتن سطح سیاسی شهروندان، تشکیل احزاب و اپوزیسیون، تغییر ماهیت دولت و افزایش وظایف آن، پرسش مورد نظر را از چه کسی حکومت می‌کند تغییر داد به این که چگونه حکومت می‌کند. وجود فسادهای متعدد در کشور این مطلب را به وضوح نمایان می‌کند که نمی‌توان با ملاک‌های قرون وسطایی در دنیای جدید حکمرانی کرد.

منطق و معیارهای گزینش افراد شایسته در جمهوری اسلامی دارای اشکالات اساسی است که به توجهی به آن خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به کشور وارد کرده و یک چالش به بحران تبدیل شده است. قرار دادن ضوابط شرعی و اعتقادی مثل اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه در گزینش افراد به دلیل غیرقابل اندازه‌گیر بودن آن، حقوق افراد را توسط گروه‌های هسته گزینش مورد تعرض قرار می‌دهد.

گویه سوم نظرسنجی که «در جامعه ما واگذاری شغل‌ها به افراد متناسب با شایستگی آن‌هاست» اختصاص دارد، ۰/۴۴ با آن موافقت کرده و ۰/۵۶ با آن مخالف هستند. این نتیجه نشانگر آن است که نظام گزینش کشور هنوز دارای ساختار شایسته سالار نیست و سیستم توان ایجاد این ساختار را نداشته است. در محدودیت فرصت‌ها، توزیع مناسب مناصب و مسئولیت‌ها دشوارتر شده و لازمه سازوکاری دقیق برای اجرایی کردن عدالت است. در نظام سیاسی اسلام، مسئولیت‌ها و مناصب سیاسی به‌عنوان «امانت» قلمداد شده است. امیرالمومنین صلوات الله علیه خطاب به فرماندار خودش در منطقه آذربایجان می‌فرماید: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ» (نهج البلاغه، نامه ۵) یعنی حکمرانی و مسئولیت، دکان کاسبی برای تو نیست و به دوش کشیدن آن از سر ارضای شهوت قدرت و طمع نیست بلکه تکلیف و امانت است که باید به خاطر هدفی آن را تقبل کرد. بنابراین در این منظر، مفاهیمی چون باندبازی و ائتلاف‌سازی‌ها برای کسب قدرت و... در آن جایی ندارد؛ چراکه امانت را باید به کسی سپرد که اهلیت آن را داشته باشد. چرا که «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا». (نساء، آیه ۵)

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

در قبول مسئولیت ها یا اعطای مناصب مفهوم «شایستگی» و «اهلیت» نمایان می شود که در کنار مفهوم «برابری» یکی از دو معیار عدالت سیاسی در توزیع قدرت است. زیرا که امانت دو طرف دارد: امانت دهنده و امانت گیرنده؛ بنابراین آن کسی که امانت در دستان اوست باید به مقتضای عدالت آن را به اهلش بسپارد و گیرنده نیز باید آن شرایط را داشته باشد و الا هر دو عدالت را زیر پا گذاشته اند.

حکومت به عنوان منبع و توزیع کننده قدرت بنابر اصل عقلی برای توزیع قدرت و مناصب باید از بین عموم شهروندان متقاضی، شایسته ترین آن ها را گزینش کند. امیرالمومنین علی صلوات الله علیه نیز در عهدنامه ای به فرماندار مصر سیاست های خود را در زمینه گزینش و ضرورت توجه به آن را ابلاغ فرموده و تأکید می نمایند.

گویه چهارم نیز که عبارت است از: «درانتخاب بین تخصص و تعهد، تخصص اولویت دارد» ۰/۷۴ از جامعه آماری با آن موافقت کرده و تنها ۰/۲۶ با آن مخالف هستند. این واقعیت نشان از عقلی و غیرایدئولوژیک بودن موضوع است. همچنان که در سیره بزرگان دین و مراجع تقلید به وفور یافت می شود. به طور مثال بسیاری از بزرگان برای درمان و عمل جراحی به بلاد کفر سفر کرده و جسم خود را به پزشک متخصصی که هیچ اعتقادی به اسلام ندارد سپرده اند. در چنین مواقعی هیچ فرد عاقلی به دنبال پزشک نماز شب خوان نیست، بلکه در پی فرد متخصص است. این اصل عقلی به مراتب در مسولیت ها و مناصب صادق تر است چرا که اگر در عمل جراحی یک فرد مریض در معرض تأثیر باشد در اینجا میلیون ها نفر تحت تأثیر فرد مسئول قرار دارند. بنابراین تخصص بر تعهد الویت دارد.

آخرین گویه که اختصاص به بحث سهمیه ها دارد عبارت است از: «تصدی مناصب با استفاده از سهمیه، ارتباطی به شایستگی و عدم شایستگی افراد ندارد»؛ ۰/۸۹ از پاسخ دهندگان با این مطلب موافقت و تنها ۰/۱۱ مخالفت خود را اعلام کرده اند. به سبب ماده ۲۱ قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران و به استناد ماده واحده اصلاح بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنج ساله توسعه مصوب سال ۱۳۹۰؛ دستگاه های اجرایی مکلفند حداقل ۲۵٪ از استخدام ها را از بین خانواده شهداء جانبازان و ایثارگران تأمین کنند.

حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت خود در بستر اشغال‌های طولانی‌مدت (با تمرکز ویژه بر مسئله فلسطین)

این سهمیه‌های ویژه‌ای که برای جذب و استخدام در مشاغل وجود دارد و به نوعی ملاک شایستگی افراد برای آن سمت محسوب می‌شود دارای منطقی گنگ و نامعلوم است. در اسلام اولین بروز اختصاص سهمیه‌ها در زمان خلیفه دوم به وجود آمد. به دستور خلیفه نهادی به نام «دیوان عطا» تأسیس شد که مسئول توزیع بیت‌المال و غنایم را به شیوه جدید و برخلاف زمان رسول خدا^(ص) عهده دار شد. مردمی که به طور مساوی از بیت‌المال دریافت می‌کردند اکنون دیگر برحسب سبقت در اسلام و قرابت بر خلفا دریافت می‌کردند. به این ترتیب طبقه جدیدی از خواص انقلاب پیامبر^(ص) شکل گرفت که از سهمیه‌های ویژه‌ای برخوردار شدند. این طبقه که معمولاً از مسئولان و حکمرانان بودند بیشترین سهم را از بیت‌المال می‌بردند. پس از فتوحات گسترده‌ای که در زمان خلیفه دوم به وقوع پیوست، ثروت و سرمایه‌های عظیمی وارد دیوان عطا شد که طبق قانون طبقه خواص سهم‌های افسانه‌ای گرفتند و توده مردم هم در فقر و بدبختی زندگی می‌کردند.

نهال این تبعیض در زمان خلافت خلیفه سوم ریشه دواند و نظام سرمایه‌داری در حکومت اسلامی تناور شد. مردم شاهد آن بودند که مسئولان با استفاده از این تبعیض روزبه‌روز به ثروت خود می‌افزایند و بین خودشان مسابقه رفاه و دارایی راه انداخته‌اند. این ثروت‌ها نیز موجب افسار گسیختگی فرزندان و آقازادگان شد و مظاهری از خوشگذرانی‌ها در مدینه النبی^(ص) نمایان گردید که در زمان جاهلیت مرسوم بود. مستی ثروت و قدرت آنان را چنان دچار فساد کرد که مردم را دچار نارضایتی و عصیان نمود و شکایات متعددی را به دارالخلافه سرازیر کرد؛ اما به دلیل نفوذ آقازادگان در حکومت راه به جایی نرسید و این چنین شد که مردم بر علیه عثمان شورش کرده و او را به قتل رساندند.

امتی که از بی‌عدالتی و ظلم خسته بودند به خانه علی^(ع) رفته و حکومت را به او سپردند؛ امیرالمومنین^(ع) با انحلال دیوان عطا، تمامی سهمیه‌ها را لغو کرده و هر ثروتی را که از این طریق به کسی رسیده بود باز ستاند. ایشان روز دوم خلافت خود به منبر رفت و فرمود: «به خدا سوگند، اگر چیزی را که عثمان بخشیده، نزد کسی بیابم، آن را به صاحبش باز می‌گردانم، هر چند آن را کابین زنان کرده باشند یا بهای کنیزکان» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵).

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

سه‌میه بگیران که به رفاه خو گرفته بودند مقابل علی^(ع) ایستاده و سه جنگ علیه ایشان برپا کردند. بنابراین اصلاحات سیاسی و اقتصادی امیرالمومنین^(ع) و جنگ در مقابل آنان راه به جایی نبرد و نتیجه مطلوبی نداشت.

پس از حکمیت و شهادت امیرالمومنین^(ع)، معاویه توانست با تحمیل صلح به امام حسن^(ع) حاکم مطلقه جهان اسلام شود؛ و رویه قبل را بیش از پیش ترویج کند. تا جایی که قوانین اسلام بدون هیچ ابایی نقض می‌شد.

و در این هنگام حسین بن علی^(ع) علیه انحرافی که از اختصاص سه‌میه‌ها به وجود آمده بود قیام کرد و در کربلا فرمود: «آیا می‌دانید چرا سخن‌های مرا به گوش جان نمی‌شنوید؟ برای این است که لقمه حرام بیت‌المال زیر پوستتان جمع شده است» (Majlisi, 1979: 26).

در خلاصه مطلب این که در حکومت علی^(ع) نَسَب برای کسی شرف و شایستگی حساب نمی‌شد و سه‌میه‌ای نداشت و حضرت در مقابل درخواست عده‌ای از مجاهدان فرمودند: آنان که در راه خدا مجاهدت کرده‌اند اجرش را از خدا بستانند نه از بیت‌المال!

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر کوششی برای درک و فهم وضعیت مولفه شایستگی در عدالت سیاسی سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی است و تلاش شد تا به صورت سنجه‌های قابل اندازه‌گیری به این سؤال که وضعیت شایستگی در ایران چگونه است؟ پاسخ دهد. حاصل این نظرسنجی و تحلیل داده‌ها نشانگر نمای کلی از وضعیت مؤلفه شایستگی است که در شرایط متوسط و رو به پایین بوده و حاکی از آن است که عدالت سیاسی در این زمینه با چالش جدی مواجه است. بی‌توجهی به این مهم موجب پیامدهای مخربی برای کارآمدی نظام بوده و در نتیجه انقلاب اسلامی را دچار بحران مشروعیت خواهد نمود. بنابراین اقتضای عدالت سیاسی این است که کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به چرخش در اصول فکری خود روش‌های غیرفضیلت‌گرایانه را کنار گذاشته تا مناصب به صورت عادلانه بین افراد جامعه تقسیم گردد و با ایجاد شرایطی برابر زمینه را برای رسیدن افراد به مناصب را برحسب فضیلت و شایستگی فراهم آورند. نظام سیاسی موظف است در امتداد

حق ملتها بر تعیین سرنوشت خود در بستر اشغال‌های طولانی‌مدت (با تمرکز ویژه بر مسئله فلسطین)

نیز مستمرا بر کارگزاران نظارت داشته باشد تا در صورت عدم شایستگی، آن‌ها را از مناصب خود عزل کند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

Quran

Nahj al-Balagha

- Ahmad A.R. (2000). Political justice in the Alevi government. *Mashhad: Negah Hozeh Publications*. (65) 13-19. [In Persain]
- Ashuri, M., Bashirieh, H. (2015). Human rights and concepts of equality, fairness and justice. Tehran: Khorsandi Publications. [In Persain]
- Dekhoda A. A. (1999) Dictionary of Dekhoda. Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute, Volume 12. [In Persain]
- Haqit, S.S. (1998). Principles of Political Justice. Scientific Research Quarterly of Review and Comment, 2 and 3. [In Persain]
- Houshmand H. (2014). Social justice and public policy making in contemporary liberalism. This morning's newspaper. Available on the site: <http://shahrvand-newspaper.ir/News/Main/13421>
- Jardagh G. (2016). Imam Ali, peace be upon him, the voice of humanity's justice, translated by Seyedhadadi Khosrowshahi. Qom: Publication of Imam Asr (AS), volume 1. [In Persain]
- Javadi Amoli Abdullah (2019) Philosophy of Human Rights. Qom: Esra Publications. [In Persain]
- Javadi Amoli, A. (2024). Tasnim, Qom: Esra Publications, Volume 2. [In Persain]
- Khamenei, S A, collection of statements and speeches, accessible on the website: <https://farsi.khamenei.ir/speech>
- Majlisi M T, (1979). Bihar al-Anwar, Beirut: Al-Wafa Institute Publishing, Volume 45. [In Persain]
- Majlisi M T. (1982). Bihar al-Anwar, Beirut: Al-Wafa Institute Publishing, Volume 21. [In Persain]
- Maulana H, Lakzaei N, Akhwan Kazemi B, Sadra A. (2004). Mahdavi political justice. Qom: The Promised Expectation Publishing House. 13 (4) 61-92. [In Persain]
- Mir Hosseini M (2016). Master's Thesis: Investigating the level of sense of political justice among the third generation of the revolution) Supervisor: Mohammad Reza Taliban, Adviser: Seyed Mohammad Mirsandsi, Research Institute of Imam Khomeini (RA) and the Islamic Revolution. [In Persain]
- Mohagheq Damad S M. (2009). Justice in Islamic theology and social system, an introduction to the political theory of justice in Islam. Tehran: Publishing House of Imam Sadegh University. [In Persain]
- Mohammadi Zia A. (2021). The challenges of the efficiency of the political system of the Islamic Republic of Iran in realizing political justice: strategies and solutions. Qom: Bagheral Uloom University Press. [In Persain]
- Moin M. (2008). Farhang Farsi Moin Tehran: Zarin Publishing House. [In Persain]

- Motahari, M. (2017). Collection of works. Tehran: Sadra Publishing House, Volume 21. [In Persain]
- Motahari, M. (2018). Society and history. Tehran: Sadra Publications. [In Persain]
- Naini M H. (2015). Tanbiyeh al-Uma and Tanziyeh al-Molla, Qom: Publication of Bostan Kitab Institute.
- Nowrozi Chakli, A, (2013). Familiarity with scientometrics: basics, concepts, relationships and roots. Tehran: Publication of Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities. [In Persain]
- Paketchi, A. (2022). Finding the components of political justice in Islamic texts, an introduction to the theory of political justice in Islam. Tehran: Publications of the Research Center for Cultural and Social Studies. [In Persain]
- Ragheb E, Hossein bin M. (2009) Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an. Qom: Mortazavi Publishing House, Volume 1. [In Persain]
- Rashid R (1990). Tafsir al-Manar. Egypt: Publication of the Egyptian General Society of Books, Volume 2. [In Persain]
- Rawls, J (2010) Theory of Justice, translated by Seyed Mohd Kamal Sarwarian and Morteza Bahrani. Tehran: Publishing House of Cultural and Social Studies. [In Persain]
- Seyed Bagheri S K. (2014) Political Justice, Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. [In Persain]
- Seyed Bagheri, S. K. and Mukhtarband, M (2017) Principles of standardization in political justice. Studies of Iranian Islamic development model. No. 10. 109 -89. [In Persain]
- Tabatabaei, S M H. (2000) Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Tehran: Amir Kabir Publishing House, Volume 1. [In Persain]
- Tabatabai, S M H. (2000), translation of Tafsir al-Mizan, translator: Seyyed Mohammad Baqer Mousavihamdani, Tehran: Amirkabir Publishing House, vol. 12. [In Persain]
- Tousi M B H, Al-Amali (2009), translated by Sadegh Hassanzadeh, Qom: Andisheh Hadi Publishing House. [In Persain]